

تاثیر بحران مالی جهانی بر جنوب آسیا

مترجم: تهمنه مولانا

در بخش مالی، از ریسک پذیری به شدت کاسته شده است. تنزل قیمت های سوخت و سایر کالاها در جهان به واسطه ی ایجاد تعادل، تورم را از اوج ۱۲/۸ درصدی در جولای ۲۰۰۸ به زیر ۶ درصد در دسامبر ۲۰۰۸ کشانیده است و به این ترتیب فضایی برای آزاد کردن نقدینگی و فراهم کردن حوزه ی مطلوب تر جهت محرک های مالی به وجود آمده است.

پاکستان

به دلیل بار سنگین حاصل تقاضای بیش از حد، سال ۲۰۰۴ اقتصاد پاکستان تحت فشار بوده است. عواقب تلفیق بحران های غذا، سوخت و مالی، هزینه ای را بر بیکار شدن تحمیل کرده به طوری که کسری بودجه افزایش یافته، تورم مداوم پدید آمده و روند رشد با کندی مواجه گردید. خوشبختانه، اصلاحاتی طی چندماه از جمله یک برنامه ی IMF در ماه نوامبر اتخاذ شده که در راستای کمک به تثبیت اقتصاد پاکستان می باشد اما رشد اقتصادی با صدمه مواجه بوده است. رشد از ۷/۳ درصد بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ به ۵/۸ درصد طی سال ۲۰۰۸ نزول کرده و، کاهش به مرز ۳ درصد هم در سال ۲۰۰۹ قابل پیش بینی می باشد. جریان در سری لانکا و مالدیو هم چندان امیدوارکننده نیست، این کشورها در تنازع با فشارهای زیاده از حد تقاضای می باشند، که به علت بحران غذا، سوخت و مالی شدید تر نیز شده اند.

سری لانکا

سری لانکا اقداماتی را در راستای کاستن از رشد نقدینگی و جبران کسری بودجه در پیش گرفته است. این موضوع، همراه با قیمت های پایین کالا، به کاهش تورم کمک کرده که از اوج ۲۸ درصدی خود در ژوئن ۲۰۰۸ به ۱۱ درصد در ژانویه ی ۲۰۰۹ به شدت اکت کرده است. ولی موازنه ی پرداخت های سری لانکا حائز اهمیت می باشد، به طوری که کسری حساب های جاری به حدود ۷/۵ درصد از رشد ناخالص داخلی در ۲۰۰۸ افزایش یافته و ذخیره ارزی سقوط کرده است. به واسطه ی بالارفتن سریع هزینه ی قرض گیری، امکان رسیدن به اعتبار بازرگانی خارجی سری لانکا نیز محدود گردیده است. رشد اقتصادی از ۷ درصد طی ۲۰۰۶-۲۰۰۷ به ۶ درصد در ۲۰۰۸ تنزل کرده و انتظار می رود تا به ۴ درصد در سال ۲۰۰۹ برسد. تدابیر بیشتر جهت تثبیت اقتصاد خارجی مورد نیاز بوده تا زمینه ی بهبود رشد را در ۲۰۱۰ فراهم آورد.

مالدیو

مالدیو هنوز با عدم موازنه ی عمده ی حساب های جاری و مالی دست و پنجه نرم می کند که بیشتر به واسطه ی رکود در جریان های خارجی سرمایه گذاری خارجی صدمه دیده اند و البته کاهش در بخش توریسم نقش به سزایی در رکود اقتصادی این کشور ایفا می کند. دولت جدید به دنبال راه هایی است تا اقتصاد کلان را در مسیر صحیح خود قرار دهد.

عدم برقراری ارتباط مقتضی با برخی کشورهای جنوب آسیا به ویژه بنگلادش، بوتان و نپال با بازارهای جهانی نشان می دهد که تلاش های دور اول آن ها در تقابل با بحران مالی جهانی عقیم مانده است.

بنگلادش

بنگلادش مشخصاً به واسطه ی مدیریت ماهرانه ی اقتصادی به خوبی با بحران کنار آمده کرده و این شیوه ی مواجهه، بدون به مخاطره انداختن ثبات اقتصاد کلان کشور به تقلیل فشار بحران قیمت نفت و غذا در فاصله ی ژانویه ی ۲۰۰۷ تا می ۲۰۰۸ کمک کرده است. گرچه قیمت سهام سقوط کرده به نظر می رسد نقدینگی داخلی همچنان کافی باشد. نرخ بهره ی داخلی، هم کوتاه مدت و هم طولی مدت ثابت هستند. صادرات برای ۶ ماه اول سال مالی (جولای تا دسامبر) ۱۹ درصد رشد کرده و گردش وجه واریزی ۳۱ درصد رشد را نشان می دهد. کاهش اخیر در قیمت جهانی کالاها، خصوصاً سوخت و غذا فشار تورم را سبک تر نموده و رشدی را در فضای مالی و موازنه ی پرداخت ها میسر می گرداند.

بوتان

اقتصاد بوتان به شدت وابسته به اقتصاد هند می باشد. از آنجایی که هیچ شاخصی از کاهش در حمایت یا تاخیر در توسعه ی پروژه های میلیونی آینده وجود ندارد، زیر بنای اقتصاد کلان هنوز استوار و بی عیب به نظر می رسد. سیستم بانکداری به قدر کافی نقدینگی در اختیار داشته، ذخایر در سطح بالایی بوده (بیش ۱۴ ماه از واردات) و مسئولین با اجرای برنامه ی اصلاحات به پیشرفت ادامه می دهند.

فوریه ی ۲۰۰۹ - بحران مالی جهانی، زمانی به جنوب آسیا رسید که این منطقه آشکارا در شرایط دشوار از لطمه ی تجاری، حاصل از بحران قیمت سوخت و غذا، در شرف بهبود بود. شوک قیمت های سوخت و غذا به شدت جنوب آسیا را تحت تاثیر قرار داده به طوری که افت کلی درآمد، در دامنه ای از ۲۴ درصد، از رشد ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۲، در کشور مالدیو تا ۸ درصد در کشور بنگلادش، در جنوب آسیا نوسان داشت. تراز مالی و حساب های جاری در وضعیت به مراتب بدتری قرار داشتند و تورم به میزان بی سابقه ای رسیده بود.

پاکستان، سری لانکا و مالدیو خصوصاً بیشتر در معرض آسیب بوده اند چون فضای دشوار سیاسی و اجتماعی از تعدیل شرایط تجاری پدید آمده، که تنها از طریق اعمال قوانین مناسب میسر بود، ممانعت می کرد. به علاوه، تکیه ی آن ها بر سرمایه گذاری خارجی نسبتاً زیاد بود. به همان نسبت که با منابع تأمین مالی عمدتاً خارجی قراردادهای جدید منعقد گردید، معضلات اقتصاد کلان متاثر از بحران مالی جهانی در این سه کشور وخیم تر گردید. گرچه در این اثناء، هند در واکنش به بحران سوخت و غذا، عملکرد موفقی داشت و همواره شیوه ی مدیریت محتاطانه ی خود در هدایت اقتصاد کلان را حفظ نموده است، ولیکن به علت ارتباطات قوی با بازارهای مالی جهانی ناگزیر از صدمات بحران مالی جهانی درمان نبوده است.

بنگلادش، نپال و بوتان ظاهراً از اولین دور توابع بحران مالی جهانی در مصون مانده اند که تاحدی متناسب به مدیریت صحیح اقتصاد کلان و از سوی دیگر به دلیل ماهیت توسعه نیافته ی بازارهای مالی این کشورها، از لحاظ ضعف در ارتباط با بازارهای بین المللی، بوده است. این سه کشور حتی نسبت به دومین دور توابع رکود اقتصادی جهانی هم لطمه ی قابل ملاحظه ای ندیده اند و علت را باید درآمد های صادراتی، پذیرش توریست، ارسال وجوه و تأمین مالی از خارج جستجو کرد. مسئله در افغانستان پیچیده تر بوده و بیش از تاثیر بحران مالی جهانی با فضای سیاسی و ایمنی این منطقه مرتبط می باشند.

سراشیمی اخیر در قیمت های سوخت و غذا امکان آسودگی و جبران را برای این کشورها فراهم آورده اما به طور کلی مدارک و شواهد دال بر این است که در روند رشد، سرمایه گذاری، صادرات و استخدام با صدماتی مواجه شده اند. به هر حال چشم انداز برای سال ۲۰۰۹ چندان امیدوارکننده نبوده و این رکود عمیق تر خواهد شد. نمودار رشد در جنوب آسیا در سال ۲۰۰۸، از ۸ درصد سال ۲۰۰۷ به ۶ درصد کاهش داشته است و پیش بینی می شود که قبل از بازیابی و رونق مجدد، تا میزان مطلوب ۶ درصد سال ۲۰۱۰، به ۵ درصد در سال ۲۰۰۹ نیز برسد.

هند

هند، در جایگاه بزرگترین اقتصاد جنوب آسیا، با چالش های عمده ای به دنبال بحران مالی جهانی رو به رو گردیده است. از توابع بلا فصل این بحران سقوط قیمت های سهام، سرازیر شدن سرمایه های خارجی به بیرون، کاهش اندوخته های خارجی و کسادی شدید نقدینگی داخلی بود، که همه ی این عوامل رکود سریعی را در نرخ ارز و نوسانی را در نرخ بهره های کوتاه مدت به همراه آورده است. توابع دور دوم، پدید آمدن یک رکود در تقاضای داخلی و صادرات بود. در نتیجه، تولید خسارتی را متحمل شده و فعالیت ها در بخش خدمات سازمان یافته (خانه داری، ساخت و ساز و فن آوری اطلاعات) رونقی نداشته اند. صادرات برای دو ماه متوالی در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۸ با زوال مواجه بوده است. دریک بررسی رسمی تعداد تلفات شغلی حدود ۵۰۰،۰۰۰ فقره بین ماه های اکتبر و نوامبر ۲۰۰۸ اعلام گردید. نرخ رشد ناخالص داخلی برای سال ۲۰۰۸ تقریباً ۷ درصد تخمین زده شده، کمتر از رقم ۹ درصدی سال ۲۰۰۷ بوده و چنین پیش بینی می شود که در ۲۰۰۹ تا ۵ درصد نیز کاهش یابد.

دولت هند نیز در اداره ی بحران جاری، تلاش قابل ملاحظه ای، از طریق اجرای مقررات پولی و محاسباتی مناسب، جهت موازنه ی بخش مالی، تضمین نقدینگی کافی و تحریک تقاضای داخلی داشته است. مقررات پولی جدید به دنبال تثبیت نرخ ارز و دسترسی به نقدینگی داخلی اعمال گردیده، همچنین با حفظ ذخیره ی ارزی در مرز ۲۵۰ میلیارد دلار، خروج سرمایه از کشور محدود شده و نرخ مبادله ای ارزی به توازن رسیده است. گرچه شواهدی دال بر افزایش وام های غیراجرایی در دست است ولی فشار بر بخش مالی کمتر گردیده است.

قبلی مهیا ساخته است که نباید به هدر رود. علاوه بر این، لازم است تا تلاش‌ها به هدف بالا بردن منافع عمومی تقویت گردند.

دوم؛ توجه عمیق به الویت‌های مخارج اهمیت به سزایی دارد. مخارج عمومی که خلق فرصت‌های شغلی می‌کنند به خصوص برای قشر کم درآمد، ضروری خواهد بود. سایر درون‌ساختارها (راه‌های روستایی، امکانات آبیاری، برق روستایی)؛ خدمات اساسی شهری؛ و برنامه‌های شبکه‌ی سلامت که به خوبی طراحی شده‌اند از جمله مثال‌های شاخص در این مخارج شمرده می‌شوند.

سوم؛ تلاش‌های دائمی برای افزایش کارایی و تاثیر بخش بانکی باید تداوم داشته باشند. تدابیر و تلاش‌های مقتضی می‌تواند به هزینه‌های واسطه به مراتب کمتر، کمک کرده، وام‌های غیر اجرایی را محدود نموده، خدمات بانکی را بهبود بخشیده و قانونگذاری‌های محتاطانه را تقویت کند.

چهارم؛ در مواجهه با کاهش تقاضای جهانی، تلاش‌ها برای بالا بردن بهره‌وری و رقابت‌پذیری فاکتورهای حیاتی برای حفظ سهم بازار صادرات می‌شود. دامنه جهت افزایش رقابت اقتصادی جنوب آسیا وسیع بوده و سیاست‌ها در راستای بهبود دسترسی پذیری زیرساخت‌ها، هزینه‌های پائین‌تر معاملات در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی از طریق اداره‌ی بهتر و همچنین کم کردن محدودیت‌ها در بازرگانی و سرمایه‌گذاری را در بر دارد. نهایتاً، در فضایی از منابع تحمیلی، توجه بیشتر به بهبود ظرفیت اجرایی و پیشگیری از فساد در هزینه‌بندی‌های دولتی بیش از هر زمان اهمیت پیدا می‌کنند.

منبع: siteresources.worldbank.org

نیپال

نیپال بهره‌ی فراوانی از جریان نقدینگی و دسترسی به کمک‌های خارجی می‌برد. به موازات کاهش عمده در قیمت‌های جهانی کالا، موازنه‌ی پرداخت‌ها و شرایط مالی مطلوب بوده و مدرکی دال بر محدودیت نقدینگی برای تقاضای داخلی وجود ندارد. برعکس، جریان‌های بزرگ مبادله‌ی خارجی برخی فشارهای تقاضا را ایجاد می‌کنند که در یک جریان غیر عادی تورم را به دنبال دارند که مستلزم مدیریت بهتر می‌باشد.

گام‌های بعدی

علیرغم این، چندان نمی‌توان خوشنود بود، در حالی که صادرات بنگلادش برای ۶ ماه نخست، رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. صادرات در کل طی اکتبر تا نوامبر ۲۰۰۸ در حقیقت به ۱/۴ درصد کاهش یافته در طی همین دوره در سال ۲۰۰۷ در قیاس با ۴۲ درصد رشد طی جولای تا سپتامبر این آمار برای بازه نگران‌کننده می‌باشد. نکته‌ی مهم اینکه، نتایج منفی رکود جهانی اقتصاد هنوز نیز ظاهر می‌شوند. علاوه بر تقاضای کمتر، شواهد محدود شدن اعتبار بازرگانی را (کاهش در دسترسی به وام یا اعتبارات یا سرمایه) نشان می‌دهد.

بنابراین اثرات منفی خارجی برای صادرات کشورهای در حال توسعه از جمله جنوب آسیا می‌تواند بسیار بزرگ باشد. از طرفی، در کشورهای صنعتی فشارهای طرفداران احزاب مردمی برای حمایت از بازرگانی می‌تواند به احتمال صادرات کشورهای جنوب آسیا لطماتی وارد نماید. از دیگر سوی بحران فعلی از فرصت‌های شغلی کارگران مهاجر از کشورهای جنوب آسیا می‌کاهد.

در راستای حل معضلات، کشورهای جنوب آسیا می‌تواند اقدامات متعددی را جهت کاهش اثرات منفی

بحران مالی در پی گیرند و برنامه‌ریزی‌هایی را برای از سرگیری

روند رشد خود در سال ۲۰۱۰ انجام دهند.

اول؛ باید تمرکز سیاست‌ها بر خلق حداکثر فضای مالی

برای پشتیبانی از اقتصاد داخلی باشد در عین اینکه

ثبات اقتصاد کلان حفظ می‌شود. همانگونه

که اشاره شد، کاهش در قیمت‌های

سخت و غذا فرصت مغتنمی

را برای بازیافت فضای

مالی مربوط به

قیمت‌های

بالا تر